

## حریم خصوصی شهروندان در اندیشه امام خمینی<sup>(س)</sup> با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای

غلامعلی رجایی<sup>۱</sup>

محمد فکری<sup>۲</sup>

**چکیده:** وقوع انقلاب در هر جامعه‌ای همراه با تحولات بنیادین و تغییرات سریع در آن جامعه است. انقلاب اسلامی نیز با پیروزی خود ساختارها، ارزش‌ها و تعاریف جدیدی از موضوعات و مفاهیم عرضه کرد. یکی از این موضوعات مهم مفهوم آزادی و حقوق بشر به طور اعم و حریم خصوصی و عمومی شهروندان به طور خاص بود. امام خمینی به عنوان رهبر این انقلاب مردمی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود بارها به این موضوعات اشاره کرده‌اند و به طور کل در اندیشه و سیره ایشان موضوع حریم عمومی و خصوصی شهروندان جایگاه مهمی داشته است، فرمان هشت ماده‌ای که ایشان در سال ۱۳۶۱ خطاب به مسئولین اجرایی و قضایی صادر فرمودند صریح‌ترین دیدگاه ایشان در خصوص موازین این موضوع حیاتی برای جامعه و عموم مردم است.

در این پژوهش نیز هدف آن است که با بررسی سیره امام خمینی و به خصوص تأمل درباره فرمان هشت ماده‌ای ایشان به شناخت بیش‌تری از ابعاد و حوزه شمول این فرمان دست یابیم. در پایان مقاله نیز به این سؤال مهم پاسخ داده شده که چگونه مواضع امام درباره لزوم رعایت حریم خصوصی مردم با سخنرانی‌های ایشان درباره تجسس و ورود به حریم خصوصی مردم به خاطر مصالح نظام قابل توضیح است؟ آیا این دو تناقضی با هم ندارند؟

---

۱. مدرس گروه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی.

e-mail:gholamalirajae@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی

e-mail:m.fekri@yahoo.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۰ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۸ مورد تأیید قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، آزادی، فرمان هشت ماده‌ای، حقوق شهروندی، حریم خصوصی، امنیت فردی.

### مقدمه

گرچه تفکیک حوزه خصوصی از حوزه عمومی قدمتی به درازای حیات انسانی دارد. اما توجه فزاینده به قلمرو و اهمیت زندگی خصوصی و حفظ آن در برابر عوامل تهدیدکننده از مسائل عصر جدید است. دامنه حوزه خصوصی و گستره حوزه عمومی به بسیاری از عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بستگی دارد و با تغییر این عوامل قلمرو حیات خصوصی و عمومی دستخوش تغییر می‌گردد. یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین دامنه این حوزه عامل فرهنگی به ویژه دین است (کدیور ۱۳۸۷: ۵۰).

دین اسلام نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان معاصر اهتمام ویژه‌ای به حریم خصوصی انسان‌ها و حفظ آن داشته است. خداوند به صراحت در آیات ۱۲ سوره حجرات؛ ۱۸۹ سوره بقره؛ ۱۹ و ۲۷ الی ۳۰ سوره نور درباره لزوم رعایت حریم خصوصی افراد سخن گفته است. همچنین روایت‌های بسیاری از پیامبر و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> درباره حرمت حریم خصوصی افراد نقل شده است. آرای امام خمینی در خصوص این موضوع برگرفته از دین اسلام و احکام الهی آن است. در این مقاله برای بررسی آرای امام خمینی درباره حریم خصوصی افراد ابتدا به تعریف مفهومی حریم خصوصی پرداخته شده و سپس با رجوع به اندیشه امام خمینی به عنوان رهبر دینی و سیاسی جامعه ایران با توجه به زمینه‌های فکری اسلامی ایشان آرای آن پیر فرزانه درباره حریم خصوصی شهروندان مطرح شده است.

### ادبیات موضوع

با وجود آنکه امام خمینی در طول دوران حیاتشان توجه ویژه‌ای به موضوع حقوق بشر داشته‌اند، اما تحقیقات و پژوهش‌های اندکی به طور خاص به این حوزه از اندیشه امام خمینی پرداخته‌اند. در ادامه به نقد و بررسی این تحقیقات می‌پردازیم.

«حق آزادی و نظارت مردم از منظر امام خمینی» عنوان مقاله‌ای است که خانم رضیه موسوی‌فر در قالب آن به بررسی دو موضوع پرداخته است: اول، تبیین اندیشه امام خمینی در مورد حق نظارت مردم و محدوده آن و دوم، آزادی به عنوان اساسی‌ترین حق مردم در اندیشه امام خمینی.

نویسنده در مورد موضوع اول می‌نویسد که محدوده آزادی به نظر امام خمینی همان است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح شده و به تأیید امام رسیده است و بعد به تحلیل این نظر می‌پردازد و مکرراً به سخنان امام در مورد آزادی در ابعاد گوناگون رجوع می‌کند و سخنان زیادی را در ضرورت آزادی از دیدگاه امام مطرح می‌کند و در آخر این مبحث ضمن نتیجه‌گیری بیان می‌کند که به طور خلاصه فصل الخطاب آزادی در اندیشه امام خمینی اسلام و قانون است و آزادی یک موهبت الهی است که هیچ محدودیتی ندارد مگر به حکم قانون و اسلام. در مورد مبحث دوم موسوی فر ابتدا این سؤال اصلی را مطرح می‌کند که آیا اصولاً امام معتقد به نظارت مردم هستند یا نه؟ پس از آنکه به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد به نقد این پاسخ با توجه به سخنان امام می‌پردازد و در این اثنا مکرراً به سخنان امام رجوع کرده است. در ادامه نویسنده از قول امام بیان می‌کند که اسلام دینی است که بحث نظارت مردم بر جامعه را در درون خود دارد و این به وسیله مطالعه نظریات اسلام و نظریات پیشوایان دین اسلام به خوبی ثابت می‌شود (موسوی فر ۱۳۸۵: ۴۵۹-۴۴۹).

این مقاله تنها در اثنای نقل سخنان امام خمینی درباره آزادی مردم اشاراتی به موضوع حقوق بشر و حریم خصوصی انسان‌ها داشته و به صورت مستقل و هدفمند بدان نپرداخته است، محوریت مقاله بر روی حقوق سیاسی مردم است و کمتر به حقوق افراد در حریم‌های خصوصی‌شان اشاره شده است.

محمد رضا کاووسی نیز در مقاله‌ای با عنوان «حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه امام خمینی<sup>(س)</sup>» نقش دموکراسی سیاسی (حکومت مردمی)، دموکراسی اجتماعی، نقش دستگاه قضایی کارآمد، آگاهی و تحرک سیاسی مردم و نقش آزادیبخش تقوا را در تضمین اجرای مقررات حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه امام خمینی مطالعه می‌کند. نویسنده ضمن رجوع به *صحیفه امام* موضع‌گیری‌های ایشان را درباره نقش و چگونگی تأثیر موارد فوق در تحقق حقوق بشر و آزادی‌های عمومی بررسی کرده و در بحث نقش دستگاه قضایی کارآمد گذری هم بر فرمان هشت ماده‌ای امام می‌کند و به تحلیل مفاد این فرمان می‌پردازد و در بررسی نقش تقوا ضمن رجوع به منابع اسلامی و دینی اندیشه امام خمینی را در این خصوص منبعث از اصول اسلامی می‌داند (کاووسی ۱۳۷۷: ۱۲۳-۱۲۲). این مقاله نیز متأسفانه اشاره چندانی به دیدگاه امام خمینی

درباره لزوم رعایت حریم خصوصی افراد نداشته است و تنها در قالب فرمان هشت ماده‌ای به بررسی مختصر آن پرداخته است.

«دولت دینی و حریم خصوصی، بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی<sup>(س)</sup>» نوشته مهدی مهریزی دیگر پژوهشی است که به بررسی حریم خصوصی افراد از دیدگاه امام خمینی پرداخته است. نویسنده در ابتدای مقاله خود با نقل فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی آن را به پنج حوزه تقسیم می‌کند. مهریزی در ادامه به بررسی نامه‌هایی می‌پردازد که امام خمینی برای پیگیری فرمان هشت ماده‌ای نگاشته‌اند، وی در آخرین بخش مقاله خود به جایگاه حریم خصوصی در سیره معصومین و آیات و روایات موجود در این زمینه می‌پردازد و در نهایت نتیجه می‌گیرد که حریم خصوصی شهروندان در دولت اسلامی مصون است، نه شهروندان و نه دولتمردان حق ورود به آن را ندارند، تنها دو مورد را می‌توان به عنوان استثنا برای کارگزاران برشمرد:

(۱) تراحم حریم خصوصی با حقوق دیگران؛

(۲) تراحم حریم خصوصی با مصالح عمومی (مهریزی ۱۳۷۸: ۹۲-۷۵)

مهریزی در مقاله خویش تنها به بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام پرداخته است و از اشاره به دیگر موضع‌گیری‌های امام که وی در آنها چه قبل و چه بعد از صدور فرمان هشت ماده‌ای به لزوم رعایت حریم خصوصی افراد اشاره کرده‌اند اجتناب نموده است، با توجه به اینکه نظرات امام خمینی درباره لزوم رعایت حریم خصوصی مردم توسط حکومت تنها محدود به فرمان هشت ماده‌ای نمی‌شود از این حیث می‌توان گفت که این مقاله ناقص است، ضمن اینکه امام خمینی موارد استثنایی هم برای نقض حریم خصوصی افراد ذکر کرده‌اند، اما نویسنده در مقاله خود آنگونه که باید و شاید بدان‌ها پرداخته است. به جهت این نقصان‌ها ضروری است که پژوهش دیگری به بررسی آرای رهبر کبیر انقلاب در خصوص رعایت حریم خصوصی افراد توسط حکومت اسلامی بپردازد.

### تعریف مفاهیم

**حریم عمومی:** این حریم به حوزه عمومی مربوط است و با قرارداد اجتماعی به وجود می‌آید. این حریم با گذر از حریم خصوصی پدیدار می‌شود و به نحوی عمومی شده است. بخش‌هایی از

حریم خصوصی به مثابه قرارداد اجتماعی است. پیدایش حوزه عمومی موجب تفکیک این حوزه از حوزه خصوصی شده است (هابرماس ۱۳۸۴: ۲۹).

حوزه عمومی، حوزه‌ای است که در آن امری مخفی و غیرقابل دسترس صاحبان آن نیست و تدبیر و سامان و تصمیم‌گیری در مورد آن نیز حق همه شهروندان است. حوزه عمومی منطقه اقتدار دولت است، این حوزه ملک مشاع همه شهروندان است (کدیور ۱۳۸۷: ۵۳).

**امنیت فردی:** منظور از امنیت فردی یا امنیت شخصی این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر مجازات‌های غیرقانونی و خودسرانه یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک، بهره‌کشی، بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد (طباطبایی مؤتمنی ۱۳۸۸: ۴۲).

**حریم خصوصی:** مفهوم حریم خصوصی ریشه فلسفی، حقوقی، سیاسی، انسانی شناختی و جامعه شناختی دارد. در ارتباط با حریم خصوصی دو برداشت کلی وجود دارد: یکی برداشت توصیفی که حریم خصوصی را توصیف می‌کند و دیگری برداشت دستوری که از ارزش حریم خصوصی سخن می‌گوید. در هر یک از برداشت‌ها، بعضی حریم خصوصی را نفع و بعضی دیگر حق اخلاقی یا قانونی تلقی می‌کنند (انصاری ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳).

مفهوم حریم خصوصی از سه عنصر مستقل و مرتبط باهم تشکیل شده است. این سه عنصر عبارتند از: محرمانگی، ناشناس ماندن، تنهایی و خلوت (انصاری ۱۳۸۶: ۱۶-۱۴). بنابراین از تعاریف مختلف حریم خصوصی دو مفهوم به ذهن تداعی می‌شود. یکی مفهوم ذاتی حریم خصوصی که به شخصیت و کرامت انسانی ناظر است و دیگری نسبت این مفهوم از بعد اجتماعی است که به تناسب فرهنگ و ساختار هر جامعه بایست حمایت از آن صورت گیرد.

نکته مهم دخیل دانستن مفهوم خلوت و تنهایی در حوزه حریم خصوصی است. یعنی حریم خصوصی به منزله خلوت و تنهایی افراد مورد نظر است (ادیانی ۱۳۸۸: ۵-۴).

حریم خصوصی آن چیزی است که انسان می‌خواهد مخفی و غیرقابل دسترسی دیگران بماند و تصمیم‌گیری درباره آن مستقلاً به عهده خودش باشد. حریم خصوصی چیزی است که اطلاع و ابراز آن یا سامان و تصمیم آن منحصراً در اختیار شخص باشد و شخص در آن صاحب اختیار تامه باشد. از امور حوزه خصوصی نمی‌توان پرسید، به دیگران ربطی ندارد، تجسس و تفتیش در آن ممنوع است، اگر به طریقی کسی از آن مطلع شد افشای آن نیز مجاز نیست. تدبیر امور این حوزه

در سلطه شخص است، اوست که حق تعیین سرنوشت خود را دارد و احدی بر مقررات او ولایت ندارد (کدیور ۱۳۸۷: ۵۲).

درواقع حریم خصوصی، حوزه زندگی هر فرد است که او یا با اعلان قبلی در چهارچوب قانون انتظار دارد که دیگران بدون رضایت او به آن قلمرو وارد نشوند یا نگاه و نظارت نکنند و به اطلاعات درباره آن دسترسی نداشته باشند و به آن تعرض نکنند. در این معنی جسم، البسه، اشیاء، تلفن همراه، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران جزء این قلمروهاست.

### حریم خصوصی از دیدگاه امام خمینی

در بررسی موضوع حریم خصوصی باید به چند نکته توجه داشت:

نکته اول اینکه نظر امام خمینی را باید به عنوان یک فقیه بررسی کنیم نه فیلسوفی سیاسی یا اندیشمندی اجتماعی. فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی - اجتماعی با مبانی فکری خاصی که برگرفته از جریان تاریخی و اندیشه‌ای تاریخ غرب است به موضوع حقوق انسان‌ها پرداخته‌اند و امام خمینی در مقام فقیهی سیاسی که معتقد و مقید به دین اسلام است با مبانی فکری و اعتقادی اسلام به موضوعات و مباحث نگریسته است. به دلیل جایگاه رهبری امام خمینی نظر و عمل ایشان در باب حقوق و آزادی‌های فردی به هم پیوند خورده است؛ یعنی امام خمینی زمانی که قیام را شروع کردند به بیان نظراتشان درباره حقوق و آزادی‌های فردی هم پرداختند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز که در جایگاه رهبر دینی و سیاسی جامعه قرار گرفتند از موضع رهبری با صدور فرمان‌ها و دستوراتی از جمله فرمان هشت ماده‌ای سعی در عملی کردن اندیشه‌های اسلامی خویش در جامعه داشتند.

نکته دوم اینکه اگر امام به فرض به صورت اثباتی بر حقوق سیاسی مردم تأکید نکرده باشند به صورت سلبی بر حقوق مردم در قبال حکومت تأکید کرده است. به گونه‌ای که امام یکی از عوامل نامشروع بودن رژیم پهلوی را تضييع و سلب حقوق و آزادی‌های مردم می‌دانست.

نکته سوم اینکه مرکز ثقل اندیشه امام خمینی سعادت است. از نظر امام خمینی راه سعادت هم اجرای احکام اسلامی است. سعادت در این مفهوم هم شامل آسایش دنیوی و هم رستگاری اخروی است. نه فقط اندیشه سیاسی امام خمینی بلکه تمام دغدغه‌های فکری و نوشته‌های قلمی امام

حول محور سعادت انسان است. امام خمینی<sup>(س)</sup> اجرای احکام اسلامی را که موجب سعادت انسان است جز از طریق تشکیل حکومت اسلامی عملی نمی‌دانست و در نتیجه در نظر و عمل سیاسی خود تشکیل حکومت اسلامی را به عنوان هدف اصلی و نهایی خود انتخاب کرد، چون آن را عامل اصلی سعادت انسان می‌دانست (رنجبر ۱۳۸۲: ۸۷-۸۵).

با توجه به این الزامات پس از تشکیل دولتی اسلامی امام خمینی همواره تأکید و حساسیت زیادی بر رعایت موازین اسلامی در جامعه داشت و نمی‌خواست ناعدالتی‌هایی که در حکومت پیشین بود در جمهوری اسلامی نیز وجود داشته باشد:

*در جمهوری اسلامی ستم نیست، در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است... در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند، عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند آن چیزهایی که در طاغوت بود در جمهوری اسلامی نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).*

در نگاه امام خمینی دو بعد سلبی و ایجابی آزادی انسان در حوزه عمل و کنش مورد توجه قرار گرفته است که اولی بیان‌کننده حوزه عدم مداخله دیگران است که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند (جمشیدی ۱۳۸۴: ۲۴۴). حوزه بهره‌مندی از آزادی به دو حریم عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود که امام خمینی آزادی در هر دو این حوزه‌ها را مدنظر داشته است (جمشیدی ۱۳۸۴: ۲۵۵). امام خمینی معتقد است حکومت اسلامی دو وظیفه مهم دارد که باید آنها را در ارتباط با یکدیگر تحقق بخشید: یک، حفاظت از آزادی‌های مردم. دو، اجرای احکام و حدود الهی. این دو اصل حدود آزادی را نیز تعیین می‌کند (جمشیدی ۱۳۸۴: ۲۶۱).

امام خمینی معتقدند پس از انقلاب اسلامی از تحولات ذاتی مردم ایران اعتقاد به این امر است که مردم دارای حق هستند و حکومت وظیفه دارد این حق را رعایت کند و حرمت آن را نگه دارد. بر همین اساس از مهم‌ترین توصیه‌های امام در دیدارهای مکرری که با مردم و مسئولان داشته‌اند توجه به حقوق مردم و عدم تجاوز به آن و جلوگیری از وارد شدن ظلم به افراد جامعه است (رنجبر ۱۳۸۲: ۱۲۴). ایشان در دیداری که با مسئولان وزارت کشور و استانداران در سال ۱۳۶۱ داشتند می‌فرمایند:

*نباید با مردم طوری کرد که مردم در خانه‌هایشان مطمئن نباشند، در زندگیشان، در تجارتشان در کسبشان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کند در همه چیز. در سرمایه‌هاشان در کسبشان، در*

کارخانه‌هاشان، در همه چیز، مردم در آرامش باشند و دولت ابداً نمی‌تواند که تأذی بکند به آنها و نباید تأذی بکند. و اگر یک کسی تأذی کرد آن تأذیب خواهد شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۶۲-۱۶۱).

امام خمینی حتی در روزهای اوج مبارزات انقلاب که خشونت‌ها نیز افزایش یافته بود نسبت به رعایت حقوق افراد نگران است و در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ اعلام می‌کنند: «ملت محترم ایران باید بداند که دیانت مقدس اسلام، جان و مال انسانها را محترم شمرده و تجاوز به آن را از محرمات عظیمه می‌داند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۰۲).

امام خمینی همچنین نسبت به سوء استفاده از اختیارات و قدرتی که در اختیار گروه‌هایی از جامعه برای تأمین امنیت نهاده شده هشدار می‌دهد:

خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود... و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت بریندد و به جای آن کدورت و جفا جایگزین شود، و آن روز فاجعه‌ای است برای اسلام و مصیبت دردناکی است برای شما و یارانتان (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۳۹۳).

امام خمینی نسبت به کارهایی که در شرایط ملتهب و متغییر سال‌های آغازین انقلاب به دست گروه‌های انقلابی و کمیته‌ها صورت می‌گرفت نگرانی عمیقی داشتند و در مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌های خود نسبت به قانون‌شکنی و برخی کژکارکردهای اعضای این گروه‌ها هشدار می‌دادند. از جمله در دیداری که با اعضای کمیته‌های انقلاب تهران در سال ۱۳۵۸ داشتند می‌فرمایند:

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواست، فرض کنید یک نفر جوان مسمای به «پاسدار» به رفیقش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی، تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین‌طوری مخلوع است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۱۹).

امام خمینی به شدت نسبت به نحوه رفتار با مردم حساس بودند، ایشان می‌فرمایند: «احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۰). و در جایی دیگر نسبت به نفی فشار بر مردم تأکید دارند. ایشان در توصیه‌ای به مسئولان می‌فرمایند: «آن روزی که شما

احساس کردید که می‌خواهید فشار به مردم بیاورید بدانید که دیکتاتور دارید می‌شوید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۷۹).

ظلم به هر صورتی که باشد مورد تنفر امام است، به عقیده وی ظلم مایه فساد و نشانه ظلمت است، درحالی که اسلام خواهان هدایت افراد از ظلمت به نور است و ظلم بزرگ‌ترین عامل انحراف انسان‌ها از مسیر هدایت و رستگاری می‌باشد. از این رو امام خمینی بارها تنفر خود را از ظلم ابراز داشته‌اند و آن را مخالف عدالت و صلاح جامعه اسلامی معرفی می‌کنند:

خداوندا تو می‌دانی که ما در این قیام رضای تو را می‌خواهیم و تو می‌دانی که ما از ظلم ولو بر یک نفر بیزار هستیم، و تو می‌دانی که ما برای اجرای عدالت قیام کرده‌ایم، و تو می‌دانی که از این تعدیات و ظلمها بیزار و منزجر هستیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۲۳).

اسلام هم حقوق بشر را محترم می‌شمارد، و هم عمل می‌کند. حتی را از هیچ کس نمی‌گیرد. حق آزادی را از هیچ کس نمی‌گیرد. اجازه نمی‌دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۶۹).

بررسی حقوق و آزادی‌های شخصی از دیدگاه امام دارای اهمیت خاصی است. آزادی‌های فردی شامل کلیه حقوقی است که حوزه خصوصی زندگی افراد را از حوزه عمومی تفکیک می‌کند و آن را از تعرض دولت مصون نگه می‌دارد. به‌طور کلی، آزادی‌های فردی شامل آزادی شغل، آزادی مسکن، نحوه زندگی، امنیت فردی و مصونیت از دستگیری و بازداشت غیرقانونی و شکنجه و حفظ حریم شخصی کلیه افراد و اصل قانونی بودن مجازات است (رنجر ۱۳۸۲: ۱۷۰). از نظر امام خمینی شهروندان در حیطه زندگی خصوصی که از جانب قانون تعیین می‌گردد و از حیطه زندگی عمومی و مدنی مجزا می‌شود، آزاد هستند و کسی نمی‌تواند به حریم خصوصی آنها وارد شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۰).

ایشان حریم خصوصی زندگی افراد را دربرگیرنده حوزه‌های زیر می‌دانند:

۱) حوزه اعتقادات (آزادی عقاید): «در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده‌ای هستند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۳۵).

- ۲) آزادی بیان و قلم: «در جمهوری اسلامی، هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود، ولکن هیچ فرد و یا گروه وابسته به قدرتهای خارجی را، اجازه خیانت نمی‌دهیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۳۹).
- ۳) آزادی در محل سکونت و کار (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۲-۱۴۰).
- ۴) حوزه مباحثات، مستحبات و مکروهات: آنچه موضوع امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد همانا حوزه محرمات و واجبات الهی است نه امور دیگر (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۶۲).
- ۵) حوزه احکام الزامی اختلافی (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۶۴).
- ۶) امر و نهی در صورتی که موجب وهن شریعت شود (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۶۵).

### فرمان هشت ماده‌ای امام و حریم خصوصی

مهم‌ترین موضع گیری امام خمینی درباره لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، فرمان مشهور به هشت ماده ای ایشان است که در ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر فرمودند. اینکه امام خمینی چنین موضوعی را نه در قالب سخنرانی و توصیه، بلکه در قالب فرمان لازم الاجرا صادر فرمودند نشان دهنده اهمیت و توجه بسیار ایشان به لزوم رعایت حریم خصوصی افراد است.

فرمان تاریخی امام خمینی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در شرایطی صادر شد که عده‌ای به نام دین و اسلام به محل کار و منازل مردم هجوم می‌بردند و آنها را مورد هتک و توهین و آزار قرار می‌دادند که امام به شدت با آنها مخالفت کردند. از دید امام خمینی اینگونه برخورد با افراد، خارج از ضوابط شرعی است و موجب فساد می‌شود و همان‌طور که در فرمان هشت ماده‌ای اعلام می‌کنند علاوه بر اینکه افراد را از توسل به چنین اقدامی به هر انگیزه‌ای باز می‌دارند دولت را هم موظف به جلوگیری از این اقدام‌ها و مجازات متخلفین می‌کنند. امام خمینی با صدور فرمان هشت ماده‌ای اولاً، افراد را از توسل به اقدامات خودسرانه باز می‌دارند و ثانیاً، دولت و قوه قضاییه را مسئول جلوگیری از اینگونه کارها می‌دانند. مبنای مخالفت امام با اقداماتی از این دست، آن است که ایشان آنها را از مصادیق ظلم می‌دانند و از آنجا که از دید امام بزرگ‌ترین هدف اسلامی و انقلاب اسلامی برقراری عدالت است به شدت با آنها مخالفت و تأکید می‌کنند که حتی به نام دین هم این اقدام‌ها قابل توجیه نیست (رنجبر ۱۳۸۲: ۱۷۳).

- مهم‌ترین نکاتی که در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی قابل تشخیص است، عبارتند از:
- ۱) لزوم اسلامی نمودن احکام قضایی و تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ سریع تر آنها.
  - ۲) بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها و دادگاه‌ها و درحالی‌که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند «میزان حال فعلی اشخاص است».
  - ۳) تأکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داوری به گونه‌ای که ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است.
  - ۴) احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که بر اساس موازین شرعی است جایز نمی‌باشد و تخلف از آن موجب تعزیر است.
  - ۵) تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم حاکم شرعی که بر اساس موازین صادر گردیده جایز نیست.
  - ۶) ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه ممنوع است.
  - ۷) شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست.
  - ۸) تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نمی‌باشد.
  - ۹) فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است.
  - ۱۰) تجسس در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند و تنها به شرط مطمئن بودن جایز است.
  - ۱۱) در صورت جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت گردد و یا دستور دادستان باشد چراکه تعدی از حدود شرعی نسبت به آنان نیز ناروا است.
  - ۱۲) اگر مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل شخصی یا محل کار خصوصی شدند و با آلات لهو و قمار و فحشا و مواد مخدر برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید و از ضوابط شرعی تعدی کند و حق جلب آنان را نیز نداشته و تنها باید نهی از منکر کنند.

- ۱۳) کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع مواد مخدر است مصداق مفسد فی الارض قرار می‌گیرند و علاوه بر ضبط مواد مخدر باید آنان را به مقامات قضایی معرفی کرد.
- ۱۴) قضات حق ندارند حکمی صادر کنند که مأموران اجازه ورود به منازل یا محل کار افراد را داشته باشند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام.
- ۱۵) مسئولین قضایی و اجرایی موظف به جلوگیری از امور ذکر شده هستند.
- ۱۶) قابل قبول و قابل تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق اسلامی از اشخاص صادر شود.
- ۱۷) مردم باید احساس آرامش و امنیت کنند و قوه قضاییه و دولت را پشتیبان خود بدانند (مهریزی ۱۳۷۸: ۶۷-۵۲؛ صامی ۱۳۸۵: ۲۰۵-۲۰۲).

امام خمینی پس از صدور فرمان نیز به طور جدی پیگیر اجرای آن بودند و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۴ هیأتی شش نفره را جهت پیگیری فرمان هشت ماده‌ای تشکیل می‌دهند و در سخنرانی‌هایشان به لزوم اجرای فرمان تأکید می‌کنند:

همانطور که من عرض کردم به آقایان، رفتن و جاسوسی کردن و تجسس کردن... این کارها نباید بشود. از آن رو هم... اگر متظاهر شد به یک فسقی، متظاهر شد به اینکه یک چیزی که خلاف شرع است، مأمورند همه مردم برای اینکه، نهی از منکر کنند... ما نگفتیم که احکام اسلام که جاری می‌شود، یک تکه‌اش جاری بشود. همین جاری بشود که جاسوسی نشود و نمی‌دانم تفتیش نشود؟... باید ما تعالی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم... از او و هم اگر سوء استفاده بخواهند بکنند... اگر کسی فسق بکند در خارج، متظاهر شود، هر نحو فسقی باشد، به شدت باید دولت با او عمل کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۶۲-۱۶۱).

در دیداری که اعضای ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای با امام داشته‌اند، ایشان در آن دیدار سخنانی در تأکید بر مفاد پیام بیان می‌کنند:

من باید به آقایان عرض کنم که شما در این کاری که دارید انجام می‌دهید که رسیدگی به امر متخلفین است... یک امری است که الزام شرعی الآن دارد و با کمال جدیت و قاطعیت این باید عمل بشود... از حالا به بعد سکوت اصلاً معنا ندارد... ما باید این بار ظلم را که الآن در سرتاسر کشور

گاهی می‌شود به اشخاص، این بار را دیگر باید سبک کنیم و از بین ببریم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۹۶-۱۹۵).

امام خمینی نسبت به هتک حرمت مسلمانان به شدت حساس بودند و در بند هفتم فرمان هشت ماده‌ای با به کار بردن عبارت «مؤکداً تذکر داده می‌شود» میزان حساسیت و تأکید خود را بر لزوم حفظ حریم خصوصی افراد اینگونه بیان می‌کنند:

مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهنو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چراکه اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعی نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد... همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتداءً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۲-۱۴۱).

پیش از صدور فرمان هشت ماده‌ای نیز امام خمینی به صورت رسمی نگرانی خود را نسبت به متجاوزین به حقوق مردم اعلام کرده بودند. ایشان در سال ۱۳۶۰ در نامه‌ای به شورای عالی قضایی و دادستان انقلاب دستور برخورد با معترضین به اموال و املاک مردم را صادر می‌کنند:

شورای عالی محترم قضایی - دادستان محترم انقلاب اسلامی  
 اخیراً گزارشهایی می‌رسد که افراد غیرمسئول، و احتمالاً از گروه‌های منحرف، و گاهی مقامات مسئول برخلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و املاک محترم مردم می‌شوند و به طور سرخود به تقسیم املاک و مصادره اموال اشخاص می‌پردازند؛ و گاهی به منازل اشخاص

بدون مجوز شرعی و قانونی وارد و آنان را جلب می نمایند؛ و اگر شخص مورد نظر نباشد، بستگان و زن و فرزند او را جلب می کنند؛ و گاهی به بهانه‌هایی هتک آبرو و حیثیت اشخاص را می نمایند؛ و با این اعمال غیرشرعی هتک جمهوری اسلامی و مقامات قضایی را می برند. مقرر فرمایید سازمان بازرسی کل کشور با سرعت عمل رسیدگی کرده به مقامات قضایی گزارش دهند و اگر شکایاتی به دادستانی‌ها رسید، با سرعت رسیدگی نمایند؛ و اشخاص یا گروه‌هایی که مرتکب این نحو اعمال غیرشرعی و غیرقانونی می شوند احضار و پس از اثبات جرم به مجازات برسند. و لازم است اینجانب را از مسائل مذکور مطلع نمایید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۴۰۸).

امام خمینی همچنین ۲۰ روز پس از صدور فرمان هشت ماده‌ای در فرمان مهم دیگری در راستای تحقق اهداف فرمان هشت ماده‌ای دستور انحلال هیأت‌های گزینش در سراسر کشور را صادر نمودند و در بند پنجم این فرمان فرمودند:

تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است، و سؤال از افراد به اینکه چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می شود، مخالف اسلام تجسس کننده، معصیت کار است. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلامی و خلاف شرع مظهر ممنوع شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۲۲۱)

امام خمینی ضمن انحلال هیأت‌های پیشین گزینش و ممنوع کردن کتاب‌هایی که در مصاحبه‌ها و آزمون‌های گزینشی مورد استفاده قرار می گرفت، دستور تجدیدنظر و بررسی مجدد کلیه اقدامات آنها را صادر کردند و خواستار تشکیل هیأت‌هایی جدید با افراد و ساختار جدیدی شدند.

### حفظ نظام و جان مردم، اولی بر حریم خصوصی

در کنار تمام تأکیدی که امام خمینی بر حفظ حریم خصوصی شهروندان داشتند در مواردی هم برای جلوگیری از توطئه‌ها و ضربه خوردن نظام و امنیت مردم هوشیاری و دقت مردم و مسئولان نسبت به مراکز توطئه را خواهان بودند و از مردم می خواستند تا کسانی را که احساس می کنند

تحركات مشکوک دارند یا در خانه‌های تیمی موجود در همسایگی‌شان فعالند معرفی کنند. حساسیتی که امام نسبت به کشف و خنثی سازی توطئه‌ها داشتند ناشی از پیوند سرنوشت نظام جمهوری اسلامی و اسلام با یکدیگر بود، امام خمینی حفظ نظام را همپایه با حفظ اسلام و به عنوان ارزش برتر معرفی کردند (جمشیدی ۱۳۸۴: ۶۰۳). حضرت امام حفظ اسلام و جان مسلمان‌ها را از فرامین الهی می‌دانستند و بدین جهت از مردم می‌خواستند تا موارد مشکوک را گزارش دهند:

اسلام را همه باید حفظ بکنیم... واجب است بر همه ما، بر همه شما که اگر توطئه‌ای دیدید و اگر رفت و آمد مشکوکی را دیدید، خودتان توجه کنید و اطلاع بدهید. یک بیچاره‌ای به من نوشته بود که شما که گفتید که همه اینها باید تجسس بکنند یا نظارت بکنند، خوب، در قرآن می‌فرماید که: *وَ لَآ تَجَسَّسُوا*. راست است، قرآن فرموده است، مطاع هم هست امر خدا، اما قرآن حفظ نفس آدم را هم فرموده است که هرکسی باید *لَآ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ* (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۱۶-۱۱۵).

اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. بر همه ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچو غائله‌ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. این حرفهای احمقانه‌ای است که از همین گروهها القا می‌شود که خوب، جاسوسی که خوب نیست! جاسوسی، جاسوسی فاسد خوب نیست، اما برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۱۶).

دانش‌آموزان عزیز با کمال دقت و بی‌طرفی اعمال و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند؛ که اگر خدای نکرده در یکی از آنان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات مسئول گزارش نمایند. و خود دبیران و معلمین با هشجاری مواظب همکاران خود باشند تا اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال تدریس به فرزندان میهن اسلامی مان القا کنند، از آنان جلوگیری نمایند؛ و در صورتی که فایده‌ای نبخشید با قاطعیت، مطلب را با مسئولان در میان بگذارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱-۲).

امام خمینی چهار روز پس از صدور فرمان هشت ماده‌ای در دیدار با فرماندهان سپاه و بسیج می‌فرماید:

بدانند این جوانها که دستها ممکن است در کار باشد که باز مسائل را طور دیگری کنند و شماها را منحرف کنند. همان دفعه اولی که شما از یک استاد یا از یک دانشجو یک چیز انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش بدهید تا جلوگیری گرفته بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۵۶).

حضرت امام در فرمان هشت ماده‌ای نیز در کنار لزوم حفظ حریم خصوصی افراد و عدم تجسس در زندگی مردم بر کشف توطئه‌ها و دستگیری افراد محارب تأکید دارند ولی در برخورد با همین معاندین هم حفظ ضوابط شرعی و قانونی را واجب می‌دانند:

هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید... آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگانهای دولتی و دستگاههای قضایی و دانشگاهها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستانها و دادگاهها، چراکه تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۱-۱۴۰).

امام خمینی در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش می‌نویسند:

... از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۳۶).

باید ارتش ما، ژاندارمری ما، سپاه پاسداران ما با کمال دقت و همه ملت ما - همه ملت الآن سپاه اسلام هستند - باید مراقبت کنند، باید رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند و به مجرد اینکه ملت دید که یک رفت و آمد مشکوکی است، اطلاع بدهند، در محله‌ها دیدند که رفت و آمدی در یک خانه‌ای هست، که غیرعادی است، اطلاع بدهند فوراً. آنها هم فوراً کنترل کنند این چیزها را (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۰۶).

البته آنی که ما می‌گوییم این است که به مردم، مردم عادی به خیال اینکه توی خانه‌شان، خودش توی خانه‌اش بخواهد یک کاری بکند حقی ندارد کسی برود، بدانند هم که در جوف منزلش یک کاری می‌کند این نهی می‌کنند؛ اگر یک وقت بریزند توی خانه‌اش، نه این حق نیست. همچو چیزی نمی‌شود، یک کار خلافی را با یک کار خلافتی ما بخواهیم جلوی او را بگیریم، موازین دارد... مبدا یک وقتی فرض کنید منزل یک کسی را برونند تفتیش بکنند بیخود، به خیال اینکه توی خانه این، یک چیزی است، برونند تفتیش کنند، نه این صحیح نیست، اما اگر فهمیدند، اطلاع پیدا کردند به اینکه خانه مرکزی از برای فساد هست، یک وقت توی یک خانه چیزی هست، احتمال می‌دهید، نه، حق ندارید بروید. یک وقت در خانه‌ای است که می‌بینید مرکزیت دارد برای یک امری، برای یک فسادی، هر فسادی باشد، می‌خواهند فحشا در اینجا چی بکنند، مرکز فحشا درست کرده‌اند، مرکز - نمی‌دانم - قماربازی درست کرده اند، اینها از اموری است که بصراحت عرض می‌کنم باید جلوی او را بگیرند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۲۶۸-۲۶۷).

مجموع آنچه از سخنان امام خمینی برمی‌آید آن است که ایشان حفظ نظام اسلامی و جان مردم را اولی بر تمام امور می‌دانست و معتقد بود چنانچه برای حفظ نظام لازم بود تا حریم شخصی افراد را تجسس کرد، در صورت اطمینان از وجود توطئه این کار را باید با رعایت شروطی انجام داد (جمشیدی ۱۳۸۴: ۶۰۵-۶۰۳).

### نتیجه‌گیری

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به دنبال تهدیدهای خارجی و توطئه‌های داخلی نوعی تندروی و اعمال روش‌های خشن امری روزمره شده بود. مخصوصاً در شرایط درگیری‌های مسلحانه سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ روند قانون‌مندی جامعه به شدت آسیب دیده بود. در این شرایط بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در فرمانی ۸ ماده‌ای در راستای جلوگیری از تجاوزات و تندروی‌ها، دستورات قاطعی صادر کردند که در قانون‌مند کردن کارکردهای نهادهای انقلابی و کارگزاران و مأمورین دولتی در قوای اجرایی و قضایی بسیار تأثیرگذار شد. امام در شرایط سخت جنگ خارجی و جنگ مسلحانه گروه‌های داخلی حفظ ضوابط و معیارها را ضروری اعلام کردند به نحوی که هیچ عذر، ضرورت و حتی مصلحتی تجاوز به حقوق شهروندی مردم را توجیه نکند و با افراد خاطی برخورد شود.

امام خمینی در سخنرانی‌ها و فرمان‌هایشان توجه ویژه‌ای به حفظ شأنیت انسان‌ها و احترام به حریم خصوصی شهروندان داشته‌اند و فرمان تاریخی هشت ماده‌ای ایشان و همچنین فرمان انحلال هیأت‌های گزینش از مهم‌ترین مصادیق توجه ایشان به حریم خصوصی و حقوق شهروندی افراد است، به عقیده ایشان فقط چنانچه در حریم خصوصی افراد توطئه‌ای علیه اسلام، نظام و جان مردم در حال شکل‌گیری بود به شرط اطمینان بایست مانع از آن شد؛ آن هم نه توسط هر شخصی بلکه فقط توسط مقامات مسئول و فقط با حکم قضایی، در غیر این صورت کسی نمی‌تواند در حریم خصوصی افراد مداخله کند. همچنین نکته مهم در تحلیل نظرات امام این است که ایشان شرط دخالت در حریم خصوصی افراد را اطمینان و حصول یقین از اینکه در خفا عملی خلاف مصلحت و امنیت نظام یا فساد آشکار در حال انجام است، می‌دانند و تجاوز به حریم خصوصی افراد را تنها بر مبنای شک و تردید باطل می‌دانند. در صورتی هم که مردم از وجود فساد و توطئه در مکانی مطمئن شدند در این صورت هم تنها مقامات قضایی با صدور مجوزهای قانونی لازم می‌توانند به حریم خصوصی افراد وارد شوند و جلوی فساد و توطئه را بگیرند.

ارزش فرمان هشت ماده‌ای امام وقتی مشخص می‌شود که بدانیم ایشان هشت روز پیش از صدور این فرمان در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بودند: «حیثیت و آبروی مؤمن در اسلام از بالاترین و والاترین مقام برخوردار است و هتک مؤمن، چه برسد به مؤمن عالم، از بزرگترین گناهان و موجب سلب عدالت است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۳۴). این موضع‌گیری صریح امام چند

روز پیش از صدور فرمان هشت ماده‌ای به خوبی بیانگر میزان اهمیت آبرو و حرمت حریم خصوصی افراد در اندیشه ایشان دارد و صدور فرمان هشت ماده‌ای اقدامی عملیاتی برای تحقق چنین دیدگاهی است.

از نظر جامعه شناختی نیز در صورت تحقق فرمان هشت ماده‌ای امام، مردم جامعه علاوه بر احساس امنیت روانی و اجتماعی نوعی امنیت خاطر نیز خواهند داشت و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد. مردمی که هراس و واهمه‌ای در خصوص احتمال تجاوز حاکمیت به زندگی و حریم شخصی خود نداشته باشند آسایش خاطر بیشتری خواهند داشت و مطمئن خواهند بود که خطری تهدیدشان نمی‌کند و حاکمیت را از خود و از آن خود خواهند دانست نه علیه خود.

در فرمان هشت ماده‌ای امام آمده که هر حکم به مجازات و اجرایی باید تنها از طریق دادگاه صالح و اجزای آن باشد و اگر احیاناً بخش‌هایی از دستگاه اجرایی از این امر تخطی کنند، خلاف اسلام و قانون عمل کرده‌اند. در عین حال، توجه مجریان به این موضوع مهم‌تر از مردم است، چون آنها قرار است الگوی مردم باشند و اگر تخطی کنند شدیدتر مجازات خواهند شد.

نکته مهمی که در پایان قابل ذکر است برقرار ساختن نسبتی میان تأکید امام بر حفظ حریم خصوصی از یک سو و تأکید ایشان بر لزوم جلوگیری از توطئه‌ها و امنیت مردم و نظام از سوی دیگر است. همان‌گونه که در سطور پیشین ذکر شد حضرت امام از سویی با صدور فرمان هشت ماده‌ای لزوم حفظ حریم خصوصی را خاطرنشان کرده‌اند و از سویی دیگر در سخنرانی‌های متعددی برای جلوگیری از توطئه‌ها و مفاسد، اقشار مختلف اجتماع را تشویق به گزارش دادن امور مشکوک و جاسوسی علیه چنین مواردی کرده‌اند، حال سؤال مهم این است که این دو امر به ظاهر متناقض چگونه قابل توضیح است؟ آیا مواضع امام درباره لزوم رعایت حریم خصوصی با سخنرانی‌های ایشان درباره لزوم جاسوسی عموم مردم و گزارش امور مشکوک به خاطر حفظ نظام در تعارض نیست؟ در پاسخ به این ابهام نکات زیر قابل ذکر است:

۱) امام آن هنگام که از حریم خصوصی مردم و لزوم حفظ آن سخن گفتند، آن را به صورت فرمان صادر کردند و گروهی از مسئولین قضایی و اجرایی را مکلف به اجرای آن کردند اما آن هنگام که از لزوم جاسوسی عموم مردم و گزارش کردن رفت و آمدهای مشکوک سخن گفتند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۱۶) آن را صرفاً در یک سخنرانی و به صورت شفاهی بیان داشتند و هیچ فرمان و نامه کتبی برای عملی شدن این امر صادر نکردند. همین تفاوت در نوع اعلام این دو

موضوع، نشان از تفاوت آشکار اهمیت این دو موضوع نزد امام دارد. به عبارت دیگر، چون امام موضوع لزوم رعایت حریم خصوصی را به صورت فرمانی لازم‌الاجرا خطاب به مسئولان رده اول کشور ابلاغ کردند و شورایی را برای پیگیری آن تشکیل دادند. ولی بحث لزوم تجسس و جاسوسی از حریم افراد به خاطر مصلحت نظام را فقط در قالب سخنرانی مطرح کردند و هیچ شخص و ارگانی را مأمور پیگیری این موضوع نکردند. پس در واقع یعنی حریم خصوصی مردم برایشان مهم‌تر و محوری‌تر از لزوم جاسوسی و تجسس به خاطر مصلحت نظام است.

۲) امام در همه سخنرانی‌هایی که در آن از لزوم جاسوسی و تجسس به خاطر مصلحت نظام سخن گفتند، خطاب به مردم از چنین عباراتی استفاده کردند: «اطلاع بدهید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۱۶)، «بلافاصله به مقامات مسئول گزارش نمایند... مطلب را با مسئولین در میان بگذارند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱-۲)، «گزارش بدهید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۵۶)، «اطلاع بدهند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۰۶). دقت در عبارات فوق نشان می‌دهد که امام در سخنرانی‌هایشان همیشه بر اعلام گزارش و خبر توسط مردم عادی و غیر مسئول تأکید داشته‌اند و معتقد بودند که فقط مسئولان حق دخالت و اقدام عملی را دارند. به عبارت دیگر، ایشان دایره اختیارات نهادها و افراد غیرمسئول را در خصوص جاسوسی و دخالت در حریم خصوصی افراد فقط تا مرز گزارش و اطلاع دادن به مسئولان مربوطه می‌دانستند و افراد غیرمسئول را از انجام اقدام عملی نهي می‌کردند.

۳) حضرت امام برای دخالت و تجسس در حریم خصوصی افراد قائل به شروطی بوده‌اند که عبارت است از: الف) مردم تنها در صورت اطمینان از وجود توطئه یا مفسده‌ای گزارش بدهند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۲۶۷). ب) مسئولان امنیتی تنها با حکم قضایی اقدام کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۱). ج) قضات حق صدور حکم قضایی تجسس برای حریم‌هایی را که محل توطئه علیه نظام نیست، ندارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۲-۱۴۱).

حال با در نظر گرفتن سه نکته فوق‌الذکر می‌توان دریافت که چگونه امام هم از لزوم رعایت حریم خصوصی و هم از لزوم جلوگیری از توطئه علیه نظام در حریم‌های خصوصی سخن گفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت مواضع ایشان در قبال این دو موضوع تناقض و تضادی با یکدیگر ندارد و با در نظر گرفتن شروطی قابل جمع و اجرا است.

## منابع

- ادیبانی، سیدیونس. (۱۳۸۸) *ایجاد حریم خصوصی در حکومت اسلامی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۶) *حقوق حریم خصوصی*، تهران: انتشارات سمت.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۴) *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- رنجبر، مقصود. (۱۳۸۲) *حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صارمی، سیف‌الله. (۱۳۸۵) *حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی*، تهران: چاپ و نشر عروج.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۸) *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاووسی، محمدرضا. (۱۳۷۷) «حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه امام خمینی (س)»، *مجله مجلس و پژوهش*، سال ششم، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۲۲.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۷) *حق الناس (اسلام و حقوق بشر)*، تهران: انتشارات کویر.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۷۸) «دولت دینی و حریم خصوصی (بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (س))»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۲.
- موسوی‌فر، رضیه. (۱۳۸۵) «حق آزادی و نظارت مردم از منظر امام خمینی»، *ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)*، چاپ دوم، صص ۴۶۰-۴۴۹.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴) *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی*، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.